

نقش ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی در پیش بینی رضایت زناشویی زنان
The role emotional expressiveness and demographic factors in predicting marital
satisfaction among women

Hossein Keshavarz-Afshar

Fateme Abdini

Fahimeh Ghahvehchi

Masood Asadi

Zahra jahanbakhshi

حسین کشاورز افشار*

فاطمه عابدینی**

فهمیه قهوه چی الحسینی***

مسعود اسدی****

زهره جهان بخشی*****

چکیده

Abstract

The present study examined the relationship between demographic factors, emotional expressiveness and marital satisfaction among married women.

Method: The study had application aims and was a correlation research. The statistical population was study of all married women in Tehran's 5th regions, in 1392. The sample included 282 married women who were selected availability. The instruments were Enrich marital satisfaction questionnaire and emotional expression family Halberstat Gray et al. for data analysis Pearson correlation and hierarchical regression were used.

Results showed that there is significant and positive relationship between emotional expressiveness and marital satisfaction with education, and significant and negative correlation between age and marital satisfaction with emotional expressiveness. Hierarchical regression results showed that in first step positive emotional expressiveness predicts 0/094 % of marital satisfaction and the entry of negative emotional expressiveness variables in second the power prediction added to 0/062 percent. Also entering the education variable in the third model could be increased to 0/09 %.. With the arrival of the age variables in the fourth model can be get 0/017 percent prediction. Entering marriage length variables in the fifth model the power prediction added to 0/011 percent. Generally positive emotional expressiveness, negative emotional expressiveness, education, age and length of marriage predicted about 19% of marital satisfaction

This information can be used in order to develop and implement educational and therapeutic programs to enhance women's marital satisfaction.

Keywords: Emotional Expressiveness, Demographic Factors, Marital Satisfaction, Married Women

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی زنان متأهل انجام شد.

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جمع آوری داده ها از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زنان متأهل منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۳۹۲ تشکیل دادند. نمونه شامل ۲۸۲ زن متأهل بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۴۷ سوالی و ابرازگری هیجانی خانواده هالبرستات و همکاران بود. برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد

نتایج نشان داد که ابرازگری مثبت و تحصیلات با رضایت زناشویی زنان همبستگی مثبت و معنادار و بین ابرازگری منفی و سن همبستگی با رضایت زناشویی زنان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که در گام اول ابرازگری هیجانی مثبت ۰/۰۹۴ درصد از رضایت زناشویی را پیش با ورود متغیر سن در الگوی چهارم ۰/۰۱۷ درصد به توان پیش بینی اضافه می شود و با ورود متغیر مدت ازدواج در الگوی پنجم ۰/۰۱۱ درصد به توان پیش بینی اضافه می شود. به طور کلی متغیرهای ابرازگری هیجانی مثبت، ابرازگری هیجانی منفی، تحصیلات، سن و مدت ازدواج حدود ۱۹ درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی می کنند.

از این اطلاعات می توان در راستای تدوین و اجرای برنامه های آموزشی و درمانی به منظور افزایش رضایت زناشویی زنان استفاده کرد.

کلیدواژه ها: ابرازگری هیجانی، عوامل جمعیت شناختی، رضایت زناشویی، زنان متأهل

مقدمه

خانواده، یکی از نهادهای مهم اجتماعی است. هرچه از عمر خانواده های گسترده می گذرد و تبلور خانوادگی هسته ای در جامعه بیشتر می شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی خانواده واضح تر می شود. د. هرگاه افراد تعهد لازم به یکدیگر نداشته باشند، شناسایی و مدیریت احساسات خود و دیگران، یعنی توجه را از دست می دهند. ماحصل این فرایند کاهش استانه تحمل، افزایش پرخاشگری و تمام چیزهایی است که می تواند موجب تنش های زناشویی شود (شمسای و همکاران، ۱۳۸۵). بنابراین رضایت زناشویی یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده است. رضایت زناشویی^۲ عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر (احمد زاده، فرامرزی، شمسای و صمدی، ۱۳۹۱). برخی از صاحب نظران در تعریف رضایت زناشویی، آن را تابع مراحل چرخه ی زندگی می دانند (بیرامی، فهیمی، اکبری، و امیری پیچا کلایی، ۱۳۹۱) و آن را فرایندی می دانند که در طول زندگی زوجها به وجود می آید؛ زیرا لازمی آن انطباق سلیقه ها، شناخت ویژگی های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل گیری الگوهای مروادهای است. زوج هایی که از نوع و سطح روابطشان رضایت دارند، توافق زیادی با یکدیگر داشته و زمان و مسائل مالی شان را به خوبی برنامه ریزی می کنند (گریف^۳، ۲۰۰۰، به نقل از تیموری آسفیچی، غلامعلی لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱).

از جمله عوامل موثر بر میزان رضایت زناشویی ابرازگری هیجان^۴ است. در ابتدا اصطلاح ابرازگری هیجان به طور گسترده ای به عنوان تفاوت های فردی در حدی که افراد رفتار بیانگر (کلامی و غیر کلامی) خود را بررسی و نظارت کنند، تعریف شده بود. بیشتر مفهوم اخیر از ابرازگری هیجان بر تفاوت های فردی در حدی که افراد به طور ظاهری هیجاناتشان را ابراز می کنند، تاکید شده است (لاوی و بن آری^۵، ۲۰۰۴). بنابراین این اصطلاح به دو روش مختلف به کار گرفته شده است؛ اول از آن برای نشان دادن جنبه هایی از رفتار که افراد برای انتقال احساساتشان به دیگران استفاده می کنند. چنین جنبه هایی از رفتار بسیار انعطاف پذیر به راحتی تغییرپذیر، آگاهانه و عمدی به نظر می رسد. دومین کاربرد آن برای توصیف آن جنبه هایی از رفتار که غیر عمدی است که از آن افراد می توانند هیجانات دیگری را استنباط کنند (سیمون و ناد، ۲۰۰۲). سطوحی از ابرازگری هیجانی خانواده به عنوان الگوی اصلی نمایش ابراز کلامی و غیر کلامی از احساسات درون خانواده به عنوان یک کل تعریف شد که روابط زناشویی را تحت تاثیر خود قرار داده است. به طور خاص، رضایت زناشویی به طور مداوم مربوط به ابرازگری هیجانی در خانواده است (بوهلر^۶، ۲۰۱۳). به طوری که رضایت زناشویی بالا با ابرازگری هیجانی مثبت بالا ارتباط دارد. علاوه بر این ابرازگری هیجانی منفی بالا با تعارض زناشویی بالا (ونگ، مکلوین و هالبراستات^۷، ۲۰۰۹) و رضایت زناشویی پایین مرتبط است (کولاک و ولینگ^۸، ۲۰۰۷، بوهلر، ۲۰۱۳). همچنین می توان به مطالعه شاه سیاه و همکاران (۱۳۹۰) به ارتباط بین عواطف مثبت و منفی بر کیفیت زناشویی اشاره کرد.

* استادیار مشاوره خانواده، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران.

** کارشناس ارشد مشاوره شغلی، آموزش و پرورش استان تهران.

*** کارشناس ارشد روانشناسی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران f.ghahvehchi@gmail.com

**** دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، البرز

***** دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

² -marital satisfaction

³ - Greef

⁴ - Emotional expressivness

⁵ - Lavee& Ben-Ari

⁶ - Buehler

⁷ - Buehler

⁸ - Kolak& Volling

از فاکتورهای موثر دیگر که در ایجاد رضایت زناشویی نقش دارند می توان به روابط قبل از ازدواج، چگونگی ازدواج، الگوهای ارتباطی زوج‌ها، شخصیت زوج‌ها و نحوه حل مشکلات زناشویی اشاره کرد. از طرف دیگر رضایت زناشویی نیاز به تلاش مستمر زوج‌ها نیز دارد (پاتریک، سلز، جوردانو و تولرد^۱، ۲۰۰۷، به نقل از تیموری آسفیچی، غلامعلی لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱). همچنین مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند که کیفیت و رضایت رابطه زناشویی تحت تأثیر عواملی مانند جنسیت، میزان درآمد و تحصیلات، حضور فرزندان و طول مدت ازدواج قرار دارد و این متغیرها به عنوان تعیین کننده‌های مهم کیفیت زناشویی هستند و در مقابل متغیرهایی مانند سن ازدواج، شغل و پایگاه شغلی، نوع مذهب و تعداد فرزندان ارتباط کمی با کیفیت زناشویی دارند (اکیساو^۲، ۱۹۹۶؛ آلدنرف و قیمیری^۳، ۲۰۱۲).

با توجه به مرور پژوهش‌های انجام شده مشخص می‌گردد که زوج‌ها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فرایگری و متعددی دچارند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت های عاطفی و هیجانی همسران اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آن‌ها می‌گذارد (مهرابیان، ۲۰۰۰)، از این رو ابراز هیجانات می‌تواند رضایت زناشویی زنان را تحت تأثیر قرار دهد و در این میان متغیرهای جمعیت شناختی می‌تواند بطور متفاوتی بر ابراز گری هیجانی و در نتیجه رضایت زناشویی تأثیر بگذارد (یلسما و ماروو^۴، ۲۰۰۳؛ کردوا، گی و وارین^۵، ۲۰۰۵؛ هالبرستات، وینکیلمن، نیدنتهال و دالی^۶، ۲۰۰۹). با توجه به تمهیدات یاد شده پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی زنان متأهل انجام شد و به دنبال پاسخ به این سوالات بوده است: رابطه ابرازگری هیجانی، تحصیلات، سن و مدت ازدواج با رضایت زناشویی زنان چگونه است؟ هر یک از ابعاد رابطه ابرازگری هیجانی (ابرازگری مثبت و ابرازگری منفی) و عوامل جمعیت شناختی (تحصیلات، سن و مدت ازدواج) به چه میزان می‌توانند رضایت زناشویی زنان را پیش‌بینی کنند؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی زنان متأهل منطقه ۵ شهر تهران در سال ۱۳۹۲ تشکیل دادند. نمونه شامل ۲۸۲ زن متأهل بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. ملاک ورود به پژوهش گذشتن حداقل ۳ سال از مدت ازدواج بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از همبستگی پیرسون^۷ و رگرسیون سلسله مراتبی^۸ استفاده شد.

ابزار

۱- پرسشنامه ابراز گری هیجانی در بافت خانواده^۹: برای سنجش ابرازگری زوج‌ها، از پرسشنامه ابرازگری هیجانی خانواده هالبرستات، استیفر، پارک و فاکس^{۱۰} (۱۹۹۵) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۴۰ گویه است و ابراز گری هیجانی را در دو حالت ابراز گری هیجانی مثبت و ابرازگری هیجانی منفی مورد سنجش قرار می‌دهد. هالبرستات و همکاران (۱۹۹۵) این

^۱ -Patrik, Sells, Giordano & Tollerud

^۲ - Xiao

^۳ -Allendorf & Ghimire

^۴ - Yelsma & Marrow

^۵ - Cordova, Gee, & Warren

^۶ - Halberstadt, Winkelman, Niedenthal, & Dalle

^۷ - Pearson correlation

^۸ - hierarchical regression

^۹ -self-expressiveness within the family context

^{۱۰} -Halberstadt, Stifter, Park & Fox

پرسشنامه را بر روی ۸۶۱ زوج شامل ۴۴۹ زن و ۳۶۲ مرد هنجار نمودند و پایایی آن را برای خرده‌مقیاس‌های ابرازگری مثبت، ابرازگری منفی و همچنین برای کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۲ و ۰/۹۳ گزارش کردند. روایی این پرسشنامه نیز توسط هالبرستات و همکاران (۱۹۹۵) مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش حاضر ابتدا نسخه اصلی پرسشنامه توسط پژوهشگران پژوهش حاضر به فارسی ترجمه و سپس بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد. در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۱ پایایی برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ محاسبه شد. روایی محتوایی پرسشنامه نیز توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت.

۲- رضایت زناشویی انریچ^۲: این پرسشنامه توسط اولسون^۳ (۱۹۸۹) طراحی شده است و برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل زا و شناسایی زمینه‌های قدرت و پربارسازی روابط زناشویی به کار می‌رود. این آزمون دارای دو فرم ۱۱۵ سوالی و ۱۲۵ سوالی است که از ۱۲ خرده آزمون تشکیل شده است. فرم اصلی با توجه به زیاد بودن سوالات پرسشنامه موجب خستگی آزمودنی‌ها می‌شد. سلیمانیان (۱۳۷۳) فرم کوتاهی از این پرسشنامه را تهیه کرد که ۴۷ سوال دارد. در فرم اصلی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شده است. سلیمانیان (۱۳۷۳) پایایی فرم کوتاه پرسشنامه را از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش کرد. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه گردید. این پرسشنامه از روایی سازه و ملاک خوبی برخوردار است. ثنائی (۱۳۸۷) گزارش کرده است که ضریب همبستگی این پرسشنامه با دیگر مقیاس‌های رضایت زناشویی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ است؛ این مقادیر نشان دهنده‌ی روایی سازه آن است. همچنین کلیه‌ی خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه، زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند و این ویژگی نشان‌دهنده‌ی روایی ملاک آن است (جلوخوانیان و خادمی، ۱۳۹۲). نمره بالا در این پرسشنامه نشان‌دهنده رضایت زناشویی و نمره پایین نشان‌دهنده نارضایتی از رابطه زناشویی است. روش نمره گذاری از نوع لیکرت پنج درجه ای - از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف - است. به هر یک از گزینه‌ها از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود (ساعتچی، کامکاری و عسگریان، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌ها نشان داد که میانگین سن، مدت و سن ازدواج آزمودنی‌ها به ترتیب ۳۸/۵۵، ۱۵/۸۶ و ۲۱/۷۷ سال است. ۱۰/۳ درصد آزمودنی‌ها از نظر میزان تحصیلات زیر دیپلم، ۳۱/۹ درصد دیپلم، ۱۰/۶ درصد فوق دیپلم، ۴۷/۲ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس بودند.

جدول ۱

ضرایب همبستگی بین نمرات ابرازگری هیجانی، تحصیلات، سن، مدت تأهل و رضایت زناشویی

متغیر	ابرازگری مثبت	ابرازگری منفی	تحصیلات	سن	مدت تاهل
رضایت زناشویی	۰/۳۰۸**	-۰/۲۳۰**	۰/۱۴۶*	-۰/۱۳۱*	-۰/۰۷۷

* $P < 0.05$. ** $P < 0.01$

نتایج ضریب همبستگی در جدول ۱ نشان می‌دهد که بین ابرازگری مثبت و تحصیلات با رضایت زناشویی زنان همبستگی مثبت و معنادار و بین ابرازگری منفی و سن همبستگی با رضایت زناشویی زنان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

^۱ - Cronbach's Alpha

^۲ - Enriching and Nurturing Relationship Issues , Communicating and Happiness(Enrich)

^۳ -Olson

جدول ۲

خلاصه‌ی الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی رضایت زناشویی

الگو	R	R ²	خطای برآورد	تغییرات R ²	معنی داری
۱	۰/۳۰۷	۰/۰۹۴	۹۰/۳۷	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰
۲	۰/۳۹۵	۰/۱۵۶	۹۰/۰۶	۰/۰۶۲	۰/۰۰۰
۳	۰/۴۰۶	۰/۱۶۵	۹۰/۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۹۷
۴	۰/۴۲۶	۰/۱۸۱	۸۰/۹۶	۰/۰۱۷	۰/۰۲۲
۵	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۸۰/۹۲	۰/۰۱۱	۰/۰۶۶

جدول ۲ خلاصه‌ی الگوی رگرسیون سلسله مراتبی پیش بینی رضایت زناشویی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در الگوی اول ابرازگری هیجانی مثبت ۰/۰۹۴ درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کند و با ورود متغیر ابرازگری هیجانی منفی در الگوی دوم ۰/۰۶۲ درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. همچنین با ورود متغیر تحصیلات در الگوی سوم ۰/۰۰۹ درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. با ورود متغیر سن در الگوی چهارم ۰/۰۱۷ درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود و با ورود متغیر مدت ازدواج در الگوی پنجم ۰/۰۱۱ درصد به توان پیش بینی اضافه می‌شود. در مجموع هر ۵ متغیر تقریباً ۱۹ درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کنند.

جدول ۳

نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی رضایت زناشویی

الگو	متغیرهای وارد شده	ضرب بتا	میزان t	سطح معنادار
۱	ابرازگری مثبت	۰/۳۰۷	۵/۲۵	۰/۰۰۱
۲	ابرازگری مثبت	۰/۳۱۴	۵/۵۶	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۴۹	-۴/۴۰	۰/۰۰۱
۳	ابرازگری مثبت	۰/۲۹۷	۵/۱۹	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۴۷	-۴/۳۹	۰/۰۰۱
	تحصیلات	۰/۰۹۵	۱/۶۶	۰/۰۹۷
۴	ابرازگری مثبت	۰/۲۹۶	۵/۲۱	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۴۸	-۴/۴۳	۰/۰۰۱
	تحصیلات	۰/۰۸۹	۱/۵۷	۰/۱۱۷
	سن	-۰/۱۲۹	-۲/۳۰	۰/۰۲۲
۵	ابرازگری مثبت	۰/۲۸۲	۴/۹۵	۰/۰۰۱
	ابرازگری منفی	-۰/۲۶	-۴/۶۴	۰/۰۰۱
	تحصیلات	۰/۱۳۳	۲/۱۷	۰/۰۳۱
	سن	-۰/۲۶۴	-۲/۸۷	۰/۰۰۴
	مدت ازدواج	۰/۱۷۷	۱/۸۴	۰/۰۶۶

جدول ۳ نتایج حاصل از رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی رضایت زناشویی را نشان می‌دهد که با ورود برخی از متغیرها تغییرات در میزان ضرب بتا و سطح معنادار مشاهده می‌شود. به عنوان مثال متغیر تحصیلات در مراحل ۳ و ۴ معنادار نیست اما با ورود متغیر مدت ازدواج متغیر تحصیلات نیز معنادار می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی زنان متأهل انجام شد. نتایج حاصل از بررسی سؤال اول پژوهش نشان داد که بین ابرازگری مثبت و تحصیلات با رضایت زناشویی زنان همبستگی مثبت و معنادار و بین ابرازگری منفی و سن همبستگی با رضایت زناشویی زنان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد، اما بین مدت ازدواج و رضایت زناشویی زنان همبستگی معنادار وجود ندارد. این نتیجه بدان معناست که با افزایش ابرازگری مثبت و میزان تحصیلات رضایت زناشویی زنان افزایش می یابد و در سوی دیگر با ابرازگری هیجانی منفی و همچنین سن میزان رضایت زناشویی کاهش پیدا می کند. این در حالی است که طول مدت ازدواج در کاهش و یا افزایش رضایت زناشویی زنان نقشی ندارد.

نتایج حاصل از بررسی سؤال دوم پژوهش مشخص کرد که هر پنج متغیر پیش بین یعنی ابرازگری مثبت و منفی و تحصیلات، سن و مدت ازدواج در پیش بینی رضایت زناشویی زنان سهم داشتند و در معادله رگرسیونی با ورود هر متغیر به معادله میزانی به سهم تبیین رضایت زناشویی اضافه گردید به طوری که در الگوی اول ابرازگری هیجانی مثبت 0.094 ، ابرازگری هیجانی منفی در الگوی دوم 0.062 درصد، تحصیلات در الگوی سوم 0.009 درصد، سن در الگوی چهارم 0.017 درصد و مدت ازدواج در الگوی پنجم 0.011 درصد به توان پیش بینی اضافه می شود. در مجموع هر ۵ متغیر تقریباً ۱۹ درصد از رضایت زناشویی را پیش بینی کردند. با مشاهده میزان تبیین هر یک از متغیرها نشان می دهد که در بین متغیرهای پیش بین سهم ابرازگری هیجانی در پیش بینی رضایت زناشویی بیشتر از متغیرهای جمعیت شناختی است.

بررسی پژوهش های پیشین حاکی از آن است که نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات کولاک و ولینگ (۲۰۰۷)؛ ونگ، مکلوین و هالبراستات (۲۰۰۹) و بوهرلر (۲۰۱۳) در زمینه وجود رابطه معنادار و همچنین توان پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی، همخوان است. همچنین نتایج پژوهش حاضر در زمینه رابط معنادار بین رضایت زناشویی و عوامل جمعیت شناختی (تحصیلات، سن و مدت ازدواج) با مطالعات اکیساو (۱۹۹۶) و آلدنرف و قیمیری (۲۰۱۲) همخوان است. در تبیین احتمالی وجود رابطه معنادار بین ابرازگری هیجانی و رضایت زناشویی و توان پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی می توان گفت ازدواج منبع بعضی از عمیق ترین احساسات و هیجانات ماست، مثل عشق، نفرت، عصبانیت، ترس، ناراحتی و لذت، و این که چقدر زن و شوهر بتوانند این هیجانات قوی را بفهمند، درباره شان گفتگو و آن ها را مدیریت کنند نقش قاطعی در رضایت زناشویی آن ها بازی می کند در حقیقت ابراز عواطف نقش عمده ای بر شادی ها و تداوم زندگی زناشویی داشته و زوج های خوشبخت به طور مداوم واکنش هایی چون عشق و محبت را نسبت به هم ابراز کرده و در تعامل هایشان با یکدیگر از شوخی های مناسب استفاده می کنند. افرادی که از ابرازگری هیجانی بالایی برخوردارند، به احتمال زیاد می توانند به گونه ای موثر با صحبت های دقیق و ظریف عاطفی، مشکلات و اختلافات را حل کنند و با استفاده از جملاتی چون «معذرت می خواهم» و «متاسفم» و دانستن اینکه به چه مقدار معذرت خواهی نیاز است یا چه مقدار متاسفم کارگشاست، اوضاع را سر و سامان می دهند، احساس همدلی بیشتری به هم نشان می دهند و نسبت به احساسات یکدیگر حساسیت بیشتری به خرج می دهند. این کار باعث افزایش رضایت زناشویی در آنان می گردد.

در تبیین رابطه معنادار بین ابرازگری هیجانی و رضایت زناشویی و توان پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس عوامل جمعیت شناختی (تحصیلات، سن و مدت ازدواج)، می توان گفت که افزایش تحصیلات باعث خود شناسی بیشتر در زنان می گردد و باعث بالا رفتن هوش هیجانی در آنان می گردد و بدین طریق می توانند از توانایی خواگاهی هیجانی بر خوردار باشند. همچنین بالا رفتن سن مدت ازدواج باعث می شود که زنان تجربه بیشتری در زمینه مدیریت هیجانات کسب کنند و توانایی همدلی، حساسیت نسبت به نیازهای خود و طرف مقابل شان بیشتر شود و همین امر بر رضایت زناشویی آن ها اثر بگذارد. این یافته ها همسو با مطالعات بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۸)، حسینی و فتحی (۱۳۸۹) می باشد.

پژوهش حاضر تنها به بررسی رابطه ابرازگری هیجانی و عوامل جمعیت شناختی با رضایت زناشویی در بین زنان متأهل پرداخته است. بنابراین نتایج فقط در جهت شناسایی نقش این عوامل بر رضایت زناشویی زنان متأهل حائز اهمیت

هستند. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی هر دو عضو زوج در پژوهش مشارکت داده شوند. انجام پژوهش‌های جامع‌تر در نمونه‌های گسترده‌تر در سایر جمعیت‌ها، نیز پیشنهاد می‌گردد.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از نقش مؤثر ابرازگری هیجانی در رضایت زناشویی است. همان‌طور که نتایج مشخص کرد افزایش ابرازگری هیجانی مثبت و کاهش ابرازگری هیجانی منفی می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش دهد، لذا با توجه به این نتیجه پیشنهاد می‌گردد در متخصصان و مشاوران حوزه خانواده، در برنامه‌های آموزشی و همچنین مداخلات مبتنی بر خانواده که با رضایت زناشویی مرتبط است، به کیفیت ابرازگری هیجانی توجه شود و آموزش‌های لازم در جهت افزایش و تقویت ابرازگری هیجانی مثبت به زوجها و خانواده‌ها ارائه شود و همچنین مهارت‌های لازم به منظور کاهش ابرازگری هیجانی منفی به زوجها و خانواده‌ها آموزش داده شود. پژوهش‌های مبتنی بر فرهنگ کشور ایران در زمینه ابرازگری هیجانی در بین زوجها و خانواده‌ها اندک است، لذا پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران حوزه خانواده ضمن پرداختن به این مقوله، ابرازگری هیجانی را با سایر متغیرهای مربوط به خانواده و زوج مانند سازگاری، تعارض، خرسندی و صمیمیت در بین اعضای خانواده و همچنین در بین زوجها، مورد پژوهش قرار دهند و عوامل جمعیت شناختی بیشتری را نیز لحاظ نمایند.

منابع

- احمدزاده، مریم؛ فرامرزی، سالار؛ شمسی، عبدالحسین و صمدی، مریم. (۱۳۹۱). فراتحلیل بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی. *اندیشه و رفتار*، ۷(۲۵)، ۴۶-۳۷.
- بخشایش، علیرضا؛ مرتضوی، مهناز. (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی زوجین فصلنامه روان‌شناسی کاربردی. ۳(۱۲۴): ۷۳-۸۵.
- بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکلایی، احمد. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *اصول بهداشت روانی*، ۱۴(۱)، ۷۷-۶۴.
- تیموری آسفیچی، علی؛ غلامعلی لوانسانی، مسعود و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و خود متمایز سازی. *خانواده پژوهی*، ۸(۳۲)، ۴۶۳-۴۴۱.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- حسینی، سیدمجتبی؛ فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین رضایت‌مندی زناشویی و مدت زمان ازدواج در میان دانش پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). *روان‌شناسی و دین*، ۳(۴): ۱۲۷-۱۴۵.
- جلو خوانیان، مریم و خادمی، علی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش تحریف‌های شناختی بر میزان رضایت زناشویی در زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره بهزیستی شهر اصفهان. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۸(۲۹)، ۱۱۵-۹۳.
- ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز و عسگریان، مهناز. (۱۳۹۰). آزمون‌های روان‌شناختی. تهران: نشر ویرایش.
- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه خوارزمی.
- شاه سیاه مرضیه، بهرامی فاطمه، محبی سیامک، تیرایی یاسر. (۱۳۹۰). همبستگی بین بهزیستی ذهنی با کیفیت زندگی زناشویی زوجین. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۵(۴): ۶۱-۶۷.
- شمسایی، محمد مهدی؛ نیکخواه، حمیدرضا؛ جدیدی، محسن. (۱۳۸۵). نقش احساس هویت و هوش هیجانی در رضایت زناشویی. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱(۲): ۵۷-۶۷.

- Allendorf, K., & Ghimire, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social science research*, 42(1), 59-70.
- Buehler, C. (2013). Marital Satisfaction, Family Emotional Expressiveness, Home Learning Environments, and Children's Emergent Literacy. *J Marriage Fam*, 75, 42-55.
- Cordova, J. V., Gee, C. B., & Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24(2), 218-235.

- Halberstadt, A. G., Cassidy, J., Stifter, C. A., Parke, R. D., & Fox, N. A. (1995). Self-expressiveness within the family context: Psychometric support for a new measure. *Psychological Assessment*, 7(1), 93.
- Halberstadt, J., Winkelman, P., Niedenthal, P. M., & Dalle, N. (2009). Emotional conception how embodied emotion concepts guide perception and facial action. *Psychological Science*, 20(10), 1254-1261.
- Jelokhavanian, M., & Khadem, A. (2013). training cognitive distortions on marital satisfaction in women attending welfare centers in Isfahan. *New J Cogn Psychol*, 8(29), 93-115. [Persian]
- Kolak, A. M., & Volling, B. L. (2007). Parental Expressiveness as a Moderator of Coparenting and Marital Relationship Quality*. *Family Relations*, 56(5), 467-478.
- Lavee, Y., & Ben-Ari, A. (2004). Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict marital quality? *Journal of Family Psychology*, 18(4), 620.
- Mehrabian, A. (2000). Beyond IQ: Broad based measurement of individual success potential or emotional intelligence. *Genet, Social & General Psychology Monographs*, 126(2), 102-133
- Simon, R. W., & Nath, L. E. (2004). Gender and Emotion in the United States: Do Men and Women Differ in Self-Reports of Feelings and Expressive Behavior? 1. *American journal of sociology*, 109(5), 1137-1176.
- Xiao, J. J. (1996). Effects of family income and life cycle stages on financial asset ownership. *Financial Counseling and Planning*, 7(1), 21-30.
- Yelsma, P., & Marrow, S. (2003). An examination of couples' difficulties with emotional expressiveness and their marital satisfaction. *The Journal of Family Communication*, 3(1), 41-62.